

نقد و بررسی قانون زکات و ارائه راهکارهای اصلاحی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۶

سیدمحمد کاظم رجایی رامشه*
میشم نعمتی**

چکیده

قانون زکات در سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید. با توجه به اهمیت زکات و نقش آن در فقرزدایی، انتظار می‌رود نقاط قوت و ضعف این قانون مورد مذاکره قرار گرفته و سیر تکاملی خود را بییماید. پژوهش حاضر، ضمن فهرست برخی مزایای قانون زکات، سعی دارد با روش تحلیلی - توصیفی، این قانون را در قالب سه محور ارزیابی کند و زمینه را برای رفع نقایص احتمالی و ارتقای آن فراهم سازد. این محورها عبارت‌اند از: الف) ارزیابی ساختاری: مانند ابهام در شخصیت حقوقی شورای زکات، عدم توجه الزام اعضای آن به تکلیف مشخص، ابهام در وضعیت نهادهای همسو در تداخل مسئولیت‌ها، عدم توجه به زیرساخت‌هایی مثل سامانه جامع اطلاعات، دستگاه نظارتی و مرجع رسیدگی به دعاوی؛ ب) ارزیابی روشی: مانند عدم تبیین مفاهیم و اهداف زکات و وظایف مؤدیان، نظام تشویقی نامتناسب و زمینه‌ساز مفاسد، عدم توجه به الزامات سایر ادیان و مذاهب؛ ج) ارزیابی محتوایی: مانند لزوم هدفمندی کمک‌های دولت، فقدان وحدت رویه اعضا در شوراهای محلی و لزوم تعیین وظایف مؤدیان.

واژگان کلیدی: زکات، قانون زکات، نقد قانون زکات، مالیات، مالیات‌های منصوص شرعی.

طبقه‌بندی JEL: H21

۶۳

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال هجدهم / شماره ۷۰ / تابستان ۱۳۹۷

*. دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام. Email: smk_rajae@yahoo.co.uk.

**دکترای حقوق عمومی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام (نویسنده مسئول).

Email: Meysamnemati58@yahoo.com.

مقدمه

برخی مفسران، زکات در سور مکی قرآن را مربوط به زکات مستحب می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۹) و برخی معتقدند حکم زکات واجب در مکه نازل شده ولی به دلایلی خود مردم زکاتشان را می‌پرداختند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۴۴۶). پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، گرفتن زکات توسط حاکم اسلامی با نزول آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» مطرح شد (همان، ج ۵، ص ۸۷). ابتدا پرداخت زکات فطره در رمضان سال دوم هجری در مدینه واجب شد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد مردم را از این حکم آگاه سازند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۹۷، ح ۲). پس از یک سال نیز فرمان داد که زکات را بپردازند. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۳۷). در سال نهم با تثبیت پایه‌های حکومت اسلام و تشکیل جامعه مسلمانان، زکات اموال نیز واجب گردید. بیت‌المال، تأسیس و زکات تحت برنامه‌ای منظم استقرار یافت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۱۹۷ / حسینی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۷-۳۹۶). روایات (الناس، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۷۶ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۳، ص ۵) و تاریخ (طبری، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۲۵۳ / مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۸۶ و ۷۵۵) مؤید این مطلب‌اند. این امر، می‌تواند شاهی بر افزایش منابع مالی بر اساس گسترش قلمرو حکومت اسلامی و نیازهای آن باشد. بر این اساس، تشریح زکات در اسلام در دو مرحله است: مرحله نخست، از آغاز بعثت تا تشکیل حکومت اسلامی و مرحله دوم، پس از تشکیل حکومت اسلامی که زکات، جنبه مالیاتی یافت (کرمی و دیرباز، ۱۳۸۰، ص ۱۷۰-۱۷۱).

در مواردی پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر امتناع‌کنندگان از زکات، دستور جهاد صادر نموده (ابن‌هشام، ۱۳۵۵، ج ۴، ص ۲۲۴) یا متذکر شدند که در صورت نپرداختن زکات با آنان خواهد جنگید (هیربد، ۱۳۵۲، ص ۸۵). نزول آیه نأ (حجرات: ۶) به منظور بازداشتن مسلمانان از جنگ بر اساس اخبار کذبی بود که در مورد امتناع از پرداخت زکات برای رسول‌الله صلی الله علیه و آله آورده شد (همان، ص ۸۶).

علمای شیعه فرستادن مأموران برای جمع زکات در هر سال را بر امام واجب دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۴۴ / اسدی حلی، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۳۱۰). زکات مانند خمس و صدقات دیگر، توسط مأموران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام جمع‌آوری می‌گردید (علوی، ۱۳۷۶، ص ۲۶) و پس از آن حضرت تا زمان امام سجاد علیه السلام بین جامعه شیعه و اهل

سنت در پرداخت زکات، تمایزی وجود نداشت؛ اما پس از امامت آن امام، جامعه شیعه هویت مستقلی یافت و ائمه شیعه دستورالعمل‌هایی را در مورد دریافت و مصرف زکات ارائه نمودند (اخلاقی و صفری روشانی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۰-۲۰۱). صادقین علیهم‌السلام تقسیم زکات را غالباً بر عهده خود افراد می‌گذاشتند. به مرور نهاد وکالت امامان شیعه استقرار و از زمان امام کاظم علیه‌السلام این شبکه گسترش و سازمان یافت و زکات نیز توسط همین شبکه طبق دستور امام علیه‌السلام اخذ و در موارد لازم مصرف می‌شد (همان، ص ۲۰۵-۲۰۹)؛ برای مثال، اسحاق بن عمار (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۴۸ و ۵۵۱) و عبدالرحمن بن حجاج (همان، ص ۴۹۹ و ۵۵۰) از نمایندگان امام کاظم علیه‌السلام، اختیاراتی در تقسیم زکات و هزینه‌کرد آن داشته و طبق اولویت‌های تعیین شده توسط آن حضرت، عمل می‌نمودند. برخی منابع، از کثرت وجوهای شرعی که در غیبت صغری، از طریق وکلا و نایبان برای امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فی‌قربانهم می‌رسید، خبر داده‌اند (الامین، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۳۷۸). هدف اصلی سازمان وکالت را جمع‌آوری خمس، زکات، نذورات و هدایا از مناطق مختلف توسط وکلا و تحویل آن به امام علیه‌السلام و پاسخگویی امام به سؤالات و مشکلات فقهی و عقیدتی شیعه دانسته‌اند (سبحانی تبریزی، ۱۳۹۰، ص ۸۲).

در دوران حضور، وکلا فرایض مالی را سازماندهی کرده و نیازمندان جامعه شیعه را تحت پوشش حمایتی خود قرار می‌دادند. در دوره غیبت صغری، فرایض مالی زیر نظر امام علیه‌السلام در موارد لازم مصرف می‌شد. در این دوره، شاید به علت عظمت شخصیت امام علیه‌السلام در مکتب تشیع، بحث چندانی از چگونگی حکومت و نحوه همکاری با آن مطرح نیست (طباطبایی فر، ۱۳۸۳، ص ۸۶). با درگذشت آخرین نایب خاص در این دوره، وکلا ضمن متوقف کردن فعالیت‌های خود، از جمع‌آوری خمس و وجوهای امتناع ورزیدند (طوسی، ۱۳۹۸، ص ۲۵۵). کسی به صورت معین به عنوان وکیل امام علیه‌السلام مشخص نشد و امام علیه‌السلام وکلای عامی را با مشخصات کلی معرفی فرمودند (سبحانی تبریزی، ۱۳۹۰، ص ۸۳)؛ لذا با گذشت زمان و احساس نیاز به تدبیر امور شیعیان توسط زعیم و رهبر معنوی و سیاسی، وجوهای و زکات به فقها و علما ارجاع داده شد. شیخ مفید رحمته‌الله می‌نویسد: «زکات در عصر غیبت باید به فقهای امین داده شود؛ زیرا آنان بهتر می‌دانند که در کجا به مصرف برسانند» (عکبری بغدادی، ۱۴۱۳، ص ۲۵۲). البته در آغاز غیبت کبری و اوایل شکل‌گیری حوزه و

روحانیت شیعه، مسائل مربوط به امور مالی شیعیان به صورت مخفی و پنهانی انجام می‌گرفت (اخلاقی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۷).

وجوب اخذ زکات بر حاکم اسلامی و وجوب پرداخت زکات به فقیه، دو حکم متفاوت، یکی برای فقیه و یکی برای افراد تحت حاکمیت او هستند. آنچه در فتاوی غالب فقها دیده می‌شود، حکم پرداخت زکات به فقیه است، نه حکم اخذ زکات توسط فقیه. از آنجاکه فقهای شیعه در شرایطی زمانی و مکانی قرار داشته‌اند که رسیدن فقیه به موقعیت حاکمیت را بسیار بعید می‌پنداشتند، متعرض فرضِ بسطِ یدِ فقیه و تشکیل حکومت اسلامی نشده و حکم صورتی را متذکر شده‌اند که مورد ابتلا بوده است؛ یعنی صورت فقدان حاکم مشروع اسلامی. در این فرض، حکم پرداخت به فقیه (عدم وجوب) را بیان نموده‌اند و نهایتاً در همین صورت فقدان حکومت اسلامی با توجه به میزان بسط ید فقیه، فتوا به جواز اخذ زکات و ارسال مأمورانی برای جمع‌آوری آن داده‌اند (مالکی نجفی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۳۵). به وجوب یا جواز اخذ زکات توسط فقیه در زمان بسط ید و تشکیل حکومت اسلامی، به خاطر بُعد تصور آن، کمتر توجه شده است. یکی از فقها پس از نقل ادله روایی، جواز تولی اخراج زکات توسط مالک و ضروری شمردن آن، به سیره رسول اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ در ارسال عاملان و جمع‌آوری زکات و نصوصی که بر لزوم اخذ زکات توسط حاکم اسلامی دلالت دارند، اشاره می‌نماید و می‌نویسد: «شاید دلیل اینکه شیخ طوسی فتوا داده بر امام ﷺ واجب است عامل برای زکات نصب نماید و حدائق آن را قول مشهور دانسته، همین ادله و سیره بوده است». ایشان سیره قطعی و روایات مربوط به لزوم اخذ زکات توسط حاکم اسلامی را بر زمان بسط ید و حاکمیت و روایات تجویزکننده اقدام مالک به اخراج زکات را بر زمان غیبت و تقیه، حمل نموده‌اند و دلیل فتوای فقهای مانند شیخ مفید، ابوالصلاح حلبی و ابن‌برآج را مبنی بر وجوب حمل زکات به سوی امام ﷺ در عصر حضور و به فقیه مأمون در زمان غیبت، توجه به سیره مَنخَد از دسته‌ای از روایات و غفلت از روایات دال بر جواز تولی اخراج زکات توسط مالک دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۴۱۶-۴۱۷). برخی از فقهای معاصر با مشاهده تشکیل حکومت اسلامی، اقدام به اخذ زکات را بر فقیه واجب دانسته‌اند (حسینی شیرازی، [بی‌تا]، ص ۳۱۹). شاید بتوان فتوای فقها به وجوب دفع زکات به فقیه در صورت مطالبه وی را (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۳/

موسوی خمینی، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۴۲ / سبزواری، [بی تا]، ص ۲۰۲) بر حسب بسط ید فقیه و اقدام جهت مصالح عامه مسلمین توجیه نمود.

در صورت تشکیل حکومت اسلامی، اخذ و توزیع زکات از سوی نایبان (امام، فقیه و عاملان زکات) از نیازهای حکومت عادلانه است. از جمله شواهد بر این امر، مصارف زکات از قبیل سهم عاملین و مؤلفه قلوبهم است که در نص قرآن کریم بیان شده است. قدر متیقن از سهم «فی سبیل الله» را جهاد دانسته‌اند. جنگ، صلح، دفاع و تدارک برای آن، از شئون حکومت است. مفهوم عام «فی سبیل الله» شامل تمامی امور خیر و عام‌المنفعه می‌گردد. اقدامات عام‌المنفعه در حیظه وظایف حکومت است که در زمان غیبت، در صورت تشکیل حکومت اسلامی است؛ همان‌گونه که از نخستین اقدامات پیامبر ﷺ پس از ورود به مدینه، تشکیل بیت‌المال بود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ص ۵۲۸). از آنجاکه اذن در شیء، اذن در لوازم آن و تشکیل حکومت اسلامی، ملازم با تشکیل بیت‌المال است، فقیه در اخذ مالیات‌های منصوص مانند زکات مأذون است؛ از سوی دیگر، در صورت مطالبه فقیه، پرداخت واجب شمرده شده است؛ لذا پرداخت زکات به او الزامی خواهد گردید. بر این اساس، زکات یکی از عناصر مالیه عمومی اسلام و تحت ضوابط آن قرار خواهد داشت. از جهاتی به مالیات، مشابهت و از جهاتی با آن مفارقت دارد.

با درک اهمیت موضوع، کشورهای مختلف اسلامی مانند مالزی، عربستان، یمن و سودان قوانینی برای زکات وضع کرده‌اند. قانون زکات ایران در سال ۱۳۹۰ در هفت ماده به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسید. جایگاه والای زکات در آموزه‌های اجتماعی اسلام، قانونی را در شأن این آموزه‌ها می‌طلبد. اکنون جای این سؤال است که آیا قانون زکات موجود، در وضعیت مطلوبی جهت رسیدن به اهداف عالی زکات قرار دارد یا کارایی آن در این مسیر با مشکلاتی مواجه است؟ پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی و با رویکرد مالیه عمومی در اسلام، قانون فعلی زکات را به منظور تحقق آرمان بلند حکومت اسلامی و ارتقای این قانون مطابق با شریعت غنی اسلام ملاحظه و مورد انتقاد قرار خواهد.

پیشینه پژوهش

اصلی‌ترین منبع بحث زکات، کتاب و سنت است. قرآن کریم در آیات متعدد از زکات مصطلح با واژه‌های «زکات»، «صدقه»، «انفاق»، «اطعام» نام برده است. قرآن کریم از زکات به عنوان رکن دین، همراه ایمان و تقوا، قرین نماز، صفت مؤمنان و یک فریضه یاد می‌کند. کتاب زکات در فقه به تبع «کتاب الزکاة» در مجموعه‌های روایی شکل گرفته است. در محیط دانشگاهی، آثار و پایان‌نامه‌های متعددی در مورد زکات به رشته تحریر درآمده؛ ولی در خصوص قانون زکات ایران، تنها کتاب **نهادهای مالی زکات در کشورهای اسلامی و جمهوری اسلامی ایران**، اثر اسماعیل پور (۱۳۹۲)، منتشر شده و بیش از پرداختن به نقایص و رفع عیب از قانون زکات، رویکرد مقایسه‌ای و تطبیقی دارد. همچنین، کتاب **امکان‌سنجی اجرای زکات در ایران**، قوانین زکات چند کشور اسلامی را مطالعه تطبیقی کرده است. تاکنون نقد جامعی نسبت به قانون زکات صورت نگرفته است؛ هرچند مقاله **کیاء الحسینی (۱۳۹۰)** با عنوان «ملاحظات اجرایی در پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی» نسبت به تصویب قانون زکات و توجه‌نکردن به سایر مالیات‌های اسلامی مانند خمس، متعرض شده و برخی مشکلات تقنینی و اجرایی مالیات‌های اسلامی را برشمرده است.

ارزیابی قانون زکات

طرح اولیه قانون زکات فروردین ۱۳۸۸ تصویب و پس از چند مرحله رفت و برگشت مصوبه مجلس به شورای نگهبان، سرانجام در آبان ۱۳۹۰ مغایرنبودن مصوبه مجلس با موازین شرع و قانون اساسی اعلام گردید (سایت مرکز تحقیقات شورای نگهبان)؛ تصویب این قانون مزایایی دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. امر زکات از یک واجب مغفول حکومتی به واجب مورد اهتمام حکومت، هرچند اختیاری، سوق یافت.
۲. تصویب این قانون را می‌توان آغاز روند ساماندهی به امر زکات به عنوان یک مالیات اسلامی و در استمرار، برای اجرای مالیات‌های اسلامی دانست.
۳. با ایجاد شورای مرکزی و شوراهای زکات در استان، شهرستان و بخش و موکول‌نمودن آنها به اذن ولی‌فقیه، به جنبه مردمی و درعین حال حکومتی زکات، توجه شد.

۴. تشکیل بانک اطلاعات ملی زکات، زمینه ارزیابی بهتر عملکرد شورای زکات را فراهم می‌سازد.

۵. چالش نظام اسلامی در ارائه الگوی مالیه اسلامی، با تصویب چنین قوانینی به فرصت عرضه نظام حقوقی و اقتصادی اسلام در اداره جامعه مبدل می‌گردد.

۶. نفس وجود این قوانین، فرهنگ‌سازی مناسبی را به همراه خواهد داشت.

۷. حفظ و تقویت اعتماد مردم و حاکمیت.

علی‌رغم این امتیازات و توجه به اینکه شایسته بود قانونگذار محترم با رویکردی جامع به تدوین قانون جامع مالیات‌های اسلامی - که بخشی از آن زکات است - بپردازد، اشکالات و نواقصی در قانون زکات مشاهده می‌شود که به اختصار در سه قالب ساختاری، روشی و محتوایی قابل ارائه هستند.

الف) ارزیابی ساختاری

۱. جایگاه و شخصیت شورای زکات

در قانون زکات، جایگاه یا ماهیت حقوقی شورای مرکزی زکات در تشکیلات و ساختار اداری مبهم است؛ از سویی، وضعیت شورای زکات در برخورداری از شخصیت حقوقی مستقل در حقوق عمومی یا زیرمجموعه بودن آن برای دیگر شخصیت‌های حقوقی، نامشخص است. معیارهای ارائه شده در برخورداری از شخصیت حقوقی حقوق عمومی، اهداف، منشأ پیدایش و اراده است (ابوالحمد، ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۸۹-۹۰). تعیین این وضعیت، آثار مهمی را به دنبال خواهد داشت؛ برای مثال هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به دنبال شکایات استخدامی چند تن از کارکنان هلال احمر و اختلاف استنباط درباره عمومی یا خصوصی بودن سازمان مزبور بین شعب ۱۱ و ۱۲ آن را از مؤسسات عام‌المنفعه غیردولتی دانسته و رسیدگی به دعاوی علیه آن را در صلاحیت شعب دیوان ندانسته است (صفار، ۱۳۷۳، ص ۱۴۳-۱۴۴). بر اساس معیارهای مختلف می‌توان شورای زکات را دارای شخصیت حقوقی عمومی دانست؛ اما از یک منظر، هر هویت عمومی وابسته به دولت خواهد بود؛ مگر اینکه صریحاً شخصیت حقوقی مستقلی به او اعطا شده باشد (همان، ص ۹۳-۹۴)؛

لذا قانون زکات باید ضمن تبیین جایگاه حقوقی شورای زکات در نظام اداری، وضعیت آن را در برخورداری از شخصیت حقوقی حقوق عمومی مشخص نماید.

۲. ابهام در مسئولیت اعضای شورای زکات

بر اساس ماده یک قانون زکات، مسئولانی در سطح وزیر با مشغله کاری انبوه و بدون داشتن وظیفه تعریف شده در شورا حضور دارند. هر چند قانون با اهدافی حضور وزرا را مقرر نموده است، ولی در روند فعلی به نظر می‌رسد به جز نماینده ولی فقیه و کمیته امداد، سایر اعضا نسبت به اهداف حضور در شورای زکات توجه نداشته یا با توجه به ابهام در مسئولیت خود، چندان ضرورتی در پیشبرد اهداف آن نمی‌بینند. طبیعی است مسئولان مالیه عمومی در کشور با وجود قوانین مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم مأخوذ از سایر منابع، زکات را برای حکومت اسلامی درآمدی جدی تلقی نمایند؛ لذا ضروری است قانون زکات با ایجاد مسئولیت برای یکایک وزرا، تأثیر حضور را بیشتر و اهتمام هر عضو را در به انجام رساندن اهداف افزون نماید.

۳. استفاده از اطلاعات و تجربیات نهادهای همسو در عین مرزبندی مسئولیت‌ها

حضور ریاست یا نماینده‌ای از سازمان‌ها و نهادهایی مانند سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان بهزیستی و بنیاد برکت که وظایف مشابهی با وظایف کمیته امداد به عنوان دبیرخانه اجرایی شورای زکات دارند، در ترکیب شورای مرکزی زکات ضروری به نظر می‌رسد؛ چراکه با استفاده از اطلاعات و تجربیات آنها، نه تنها اتلاف نیرو و هزینه برای انجام دوباره برخی امور مانند شناسایی مشکلات، نیازها و استعدادها صورت نمی‌گیرد؛ بلکه هم‌افزایی صورت می‌پذیرد.

از سوی دیگر، سازمان اوقاف و امور خیریه که تحت نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اداره و رئیس آن با هماهنگی رهبری تعیین می‌گردد (ماده دوم قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه)، تمامی امور مربوط به وقف را عهده‌دار است. بر اساس قانون، قلمرو فعالیت این سازمان، اموری را از جمله محبوسات، نذور، صدقات و هر مال دیگری که به غیر از عنوان وقف برای امور عام‌المنفعه و خیریه اختصاص یافته، شامل می‌گردد (ماده ۱ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه). بر

اساس قانون زکات و نظر مقام ولایت فقیه، مسئولیت زکات که عنوانی غیر از وقف ولی عام‌المنفعه است، بر عهده شورای زکات و دبیرخانه آن قرار گرفته است. وظایف و اقدامات سازمان بهزیستی نیز مصداق امور خیریه و عام‌المنفعه می‌باشد. استفاده از زکات در مرمت موقوفات، خصوصاً موقوفات مرتبط با فقرا که در اختیار سازمان اوقاف و امور خیریه است، مشارکت در طرح‌های درمانی یا طرح‌هایی که مورد استفاده مددجویان سازمان بهزیستی قرار دارد، به دلیل احساس تراحم و تداخل مسئولیت‌ها، موجب دوگانگی، کاهش سرعت و افزایش هزینه است. شفافیت قانون زکات در مورد چنین وضعیت‌هایی می‌تواند به گشوده شدن گره‌های اجرایی پیش رو بینجامد.

۴. بانک اطلاعات ملی زکات و گیرنده گزارش عملکرد

از جمله نقاط قوت قانون زکات، پیش‌بینی ایجاد بانک اطلاعات ملی زکات در تبصره دوم ماده ۴، توسط کمیته امداد امام خمینی علیه السلام است که در آن خواسته شده گزارش عملکرد میزان زکوات جمع‌آوری شده در مناطق کشور، کمک‌های دولت و اقدامات رفع فقر و عمرانی و خدماتی انجام شده را به شورای مرکزی زکات و کمیسیون‌های اقتصادی و اجتماعی مجلس شورای اسلامی منعکس نماید.

با وجود این، ظاهر تبصره مذکور آن است که بانک اطلاعات ملی زکات، ابزاری برای ارائه گزارش عملکرد است و این امر، اطلاعات مورد نیاز را به آمار عملکرد محدود خواهد نمود؛ درحالی‌که برای برنامه‌ریزی آینده زکات به گستره وسیعی از اطلاعات دقیق از منابع، مستحقان، انواع نیازها و استعدادها، مطالعه شیوه‌های توانمندسازی مستحقان، عاملان و شیوه‌های ارتقای بهره‌وری عاملان نیاز است؛ برای مثال نتایج تحقیقی در پاکستان نشان می‌دهد که مواد غذایی، بهداشت و درمان و آموزش و پرورش به ترتیب بیشترین هزینه‌های زکات را شامل می‌شود (Ashraf Toor & Nasar, 2004, p.95). این هزینه‌ها ممکن است در کشور ما متفاوت باشد. همچنین ویژگی‌های جغرافیایی در مناطق شهری و روستایی باید ملاحظه شود؛ زیرا میزان و نوع منابع درآمد و سهم هزینه‌ها در این مناطق با یکدیگر متفاوت است. این بررسی‌ها درک بهتری از چگونگی به‌کارگیری زکات برای توانمندسازی و رفع فقر به ما می‌دهد. وظیفه «تعیین خط‌مشی‌های اساسی در خصوص

جمع‌آوری و مصرف زکات و تنظیم ضوابط و معیارهای مربوطه» در بند الف ماده دو، در همین راستا و با بانک جامع اطلاعات زکات تناسب دارد؛ نه بانک اطلاعات ملی که جنبه ارائه گزارش عملکرد در آن قوی است.

اشکال دیگری که در این تبصره به چشم می‌خورد، آن است که بر اساس تبصره مذکور، کمیته امداد باید گزارش عملکرد خود را به شورای زکات و کمیسیون‌های مجلس ارائه نماید؛ درحالی‌که اساساً شورای زکات و فعالیت‌های آن بر اساس اذن رهبری مشروعیت یافته و تأیید ایشان به منزله استمرار اذن است؛ بنابراین اگر قرار است قانون در مورد گزارش‌دهی به مقامی تصریح نماید، آن مقام، ولی فقیه است که می‌توان از طریق نماینده ولی فقیه در شورا نسبت به این امر اقدام نمود؛ چراکه شورای زکات به صورت طبیعی می‌تواند عملکرد دبیرخانه خود را تحت نظر داشته باشد.

۵. فقدان دستگاه نظارت مالی مشخص در عین تعدد آن

شفافیت و نظارت مالی بر نیروی انسانی از موجبات اجرای موفق قوانین مالیاتی و از سیره‌های قطعی در حکومت اسلامی (امام علی بن ابی‌طالب، ۱۴۱۴، ن ۲۵، ۴۰ و ۵۳/ بیهقی، [بی تا]، ج ۴، ص ۱۵۷-۱۵۸/ امامی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳/ بخشی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸-۱۱۰/ لشکری، ۱۳۸۰، ص ۱۳۰) است. در متن قانون چندین ناظر دیده شده است. در ماده یک، از یکی از اعضای شورای مرکزی زکات، یعنی نماینده کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر نام می‌برد. همچنین در ماده دو در تعیین وظایف شورای مرکزی زکات، نظارت و مشارکت مؤثر استانداران، فرمانداران، بخشداران، شوراهای اسلامی شهر و روستا و ائمه جمعه و جماعات سراسر کشور در اجرای این قانون ذکر شده است. ضمن اینکه ماده سوم قانون، الزام می‌نماید هرگونه اقدام در مورد زکات مطابق نظر ولی فقیه و با اذن ایشان انجام گیرد. بر این اساس، این ماده نیز به نحوی نظارت رهبری را مطالبه می‌کند.

به گفته برخی مسئولان اجرایی امر زکات، هم‌اکنون، چندین دستگاه نظارتی بر عملکرد مالی دبیرخانه زکات نظارت و آن را بررسی می‌کنند. این دستگاه‌ها عبارت‌اند از: نظارت استانداران، نظارت از طرف دفتر رهبری، نظارت سازمان برنامه و بودجه، نظارت سازمان بازرسی کل کشور، نظارت حسابرسی کمیته امداد مرکز، نظارت امور مالی مراکز استان‌ها و

نظارت بازرسی مستقر در اداره کل کمیته امداد امام خمینی علیه السلام (مصاحبه نگارنده با مسئول اجرایی زکات استان قم، ۱۳۹۵/۰۵/۰۱).

وجود دستگاه متعدد نظارتی از مفسد اقتصادی در امر زکات جلوگیری می‌کند. با وجود این، بازرسی توسط دستگاه‌های متعدد، اولاً به صورت تخصصی نخواهد بود؛ ثانیاً تعدد، مستلزم هزینه زیاد برای نظام اسلامی و برخلاف اصل صرفه‌جویی است.

۶. فقدان نهاد ناظر بر رفتار مأموران زکات

علاوه بر نیاز به بازرسی مالی، رفتار عاملان زکات نیز باید نظارت شود و آموزش‌های لازم در زمینه برخورد با مؤدیان ارائه گردد. در قانون مالیات‌های مستقیم، دادستان انتظامی مالیاتی با تعداد کافی دادیار برای انجام وظایفی از قبیل رسیدگی و کشف تخلفات و تقصیرات مأموران مالیاتی، تحقیق در جهات اخلاقی و اعمال و رفتار افراد مذکور و اقامه دعوی علیه مؤدیان و مأموران مالیاتی پیش‌بینی شده است (قانون م.م، ماده ۲۶۳). این خلأ در قانون زکات به چشم می‌خورد. می‌توان با ایجاد یک واحد تخصصی ویژه در دادستانی انتظامی مالیاتی این نقیصه را برطرف کرد.

۷. جرم‌انگاری تخلفات مؤدیان و عاملان و سوءاستفاده‌کنندگان

در قانون زکات هیچ تدبیری برای برخورد با تخلفات مأموران مالیاتی و جرم‌انگاری تخلفات مؤدی مانند اخفای زکات یا سندسازی خلاف واقع، اندیشیده نشده است؛ درحالی‌که امیرالمؤمنین علیه السلام برای برخورد با تخلفات مأموران مالیاتی اقداماتی از قبیل عزل داشته‌اند (امام علی بن ابی‌طالب، ۱۴۱۴، ن ۷۱، ص ۳۹۸).

در روایات و سیره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، مؤدی از برخی اقدامات منع شده است. از دیگر موارد ممنوعیت، تظاهر به مستحق بودن و مصرف نامشروع اموال زکات است. در کنار این ممنوعیت‌ها فقه مقرر داشته: «التعزیر لکل عمل محرّم» (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۶۹/حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۶۸/شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۰۰/محقق حلی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۱/اسدی حلی، ۱۴۲۰، ص ۲۳۹). جرم‌انگاری به منظور ایجاد ضمانت اجراست؛ زیرا ضعف در ضمانت اجرا از عوامل ناکارآمدی قانون است. تشویق‌ها و تهدیدهای موجود در کتاب و سنت، اجرای مقتدرانه زکات را مطالبه می‌کند. برخی فقها به استناد روایات (کلینی، ۱۴۰۷،

ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۱ و ج ۳، ص ۵۰۳، ح ۳ و ص ۴۹۹، ح ۹) حکم به کفر منکر ضروری دین کرده و او را مرتد دانسته‌اند. در هر نظام مالیاتی، مجازات کمتر ولی قاطعانه‌تر، بیشتر از مجازات سنگین ولی غیرقطعی، بر فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد (خان جان، ۱۳۸۸، ص ۳۶)؛ بنابراین وضع مجازات بر رفتارهایی که منجر به اخلاف در اجرای زکات می‌گردد، ضروری به نظر می‌رسد.

۸. تعیین مرجع رسیدگی به دعاوی

ممکن است در روند اجرای قانون زکات برخی دعاوی و نارضایتی‌ها ایجاد، و به رسیدگی، حل اختلاف و تعیین متخلف نیاز شود. در فروض مختلف، سوءاستفاده عامل زکات از اعتماد مؤدی و دریافت زکات اضافی از او یا سوءاستفاده از زکات دریافتی یا اختلاف دبیرخانه زکات با نهادهایی مانند سازمان اوقاف و امور خیریه یا سازمان بهزیستی امکان دارد. به‌هرحال، این احتمالات چندان هم نادر نیست و نیازمند تعیین مرجعی خاص برای رسیدگی است تا اعتماد مردم به عملکرد حکومت در امر زکات حفظ شود. در ماده ۱۷۰ قانون مالیات‌های مستقیم با پیش‌بینی هیئت حل اختلاف مالیاتی، به این مشکل توجه شده، ولی در قانون زکات از این مهم، غفلت شده است.

ب) ارزیابی روشی

۱. تبیین مفاهیم

یکی از ویژگی‌های قانون، شفافیت و استفاده از واژگانی است که دارای ابهام نباشد. در این راستا، قانون زکات باید به تبیین مفاهیم مورد استفاده بپردازد؛ برای مثال، با تبیین مفهوم عامل، مشخص نماید علاوه بر جمع‌آوری‌کنندگان، توزیع‌کنندگان زکات نیز مصداق این مفهوم هستند یا خیر.

۲. تبیین اهداف، مصارف و اولویت‌ها

ماده دوم قانون زکات، «شورای زکات» را موظف به سیاستگذاری جهت جمع‌آوری و هزینه زکات نموده است. بر اساس ماده چهارم، بودجه‌ای معادل زکات از طریق دولت می‌تواند در اختیار کمیته امداد امام خمینی علیه السلام قرار گیرد تا «جهت مصارف اهداف این

قانون» هزینه شود. تبیین اهداف و مصارف زکات، بستر لازم برای سیاستگذاری را فراهم می‌آورد. به‌ویژه اینکه در بین اهداف، مصارف و اولویت‌ها، برخی موارد منصوص قطعی وجود دارد. شاید غفلت قانون زکات از موارد مذکور، بدین علت بوده که اجرای قانون توسط کمیته امداد، دال بر آن بوده که هدف قانون، فقرزدایی است و مصارف آن هم به تبع مشخص خواهد بود؛ اما چنین برداشتی به منزله نادیده‌گرفتن سایر اهداف، مصارف و اولویت‌ها خواهد بود. به‌رحال قانون باید قدر متیقنی از موارد مذکور و چارچوبی را برای سیاستگذاری شورا مشخص می‌نمود.

اگرچه به استناد روایات (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۴۱-۵۴۳، ح ۴/ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۱۰، ح ۲) فقرزدایی در اولویت اهداف زکات قرار دارد؛ اما تصریح به مصارفی از قبیل «فی سبیل‌الله»، «عاملین»، «مؤلفه قلوبهم» و ... در کنار فقرا و مساکین، اهداف دیگر زکات را متذکر خواهد شد؛ برای مثال تقویت بنیه دفاعی و امنیت، یکی از اهداف زکات است (جمعی از مؤلفان، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۱۹). روایات، بارزترین مصداق «فی سبیل‌الله» را هزینه آن برای جهاد می‌دانند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۲۱۲، ح ۷)؛ لذا زکات اهداف فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی دیگری مانند تطهیر، تزکیه و رفع مشکلات جامعه اسلامی را دنبال می‌نماید.

برخی اولویت‌های منصوص و مورد فتوا در مصرف زکات وجود دارد؛ مانند اولویت جغرافیایی: اولویت تخصیص زکات به مکانی که مال زکات در آن واقع شده (اسدی حلی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۱۸/ همو، ۱۴۱۳(الف)، ج ۳، ص ۲۴۶/ عکبری بغدادی، ۱۴۱۳، ص ۲۵۹/ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۳۴۱/ همدانی، ۱۴۱۶، ص ۹۵) و اولویت فرهنگی اجتماعی: خویشاوندان، همسایگان، دوستان، نیازمندان، علما، صلحا، آبرومندانها (حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۲۴۵، ح ۱-۵ و ص ۲۶۱-۲۶۲، ح ۱-۲). افزون بر این، آیه ۶۰ سوره مبارکه توبه، با عبارت «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ»: صدقات (زکات) برای فقیران است ...، اولین اولویت مصرف زکات را ذکر می‌نماید. سپس «وَالْمَسْكِينِ» را به عنوان دومین اولویت مصرف و «الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا» یا جمع‌آوری‌کنندگان و کارمندان نهاد زکات را به عنوان سومین مصرف نام می‌برد و به ترتیب تا هشت مورد، اولویت مصرف در آیه شریفه ذکر شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴). مرحوم علامه طباطبایی رحمته‌الله در *المیزان* نسبت به ترتیب موجود در مصارف زکات می‌نویسد: «البته در اینکه ترتیب در ذکر و یکی را پیش از دیگری آوردن، دلالت بر اهمیت

و مصلحت بیشتر مقدم بر مؤخر می‌کند، تردیدی نیست و مورد قبول ما نیز می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۳۱۲)؛ بنابراین از آیه فوق و روایات، می‌توان چنین استنباط نمود که رفع فقر اولویت اول زکات است.

موارد متعددی از اولویت‌های مربوط به فقرزدایی در متن قوانین عالی و عادی تبیین شده که توجه به آنها مهم است. اصول ۳ و ۴۳ قانون اساسی اولویت‌های مربوط به پیشگیری، توانمندسازی و رفع فقر که حاکمیت نسبت به آنها وظیفه دارد را به صورت زیر متذکر شده‌اند: «مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، اشتغال، تشکیل خانواده، تعمیم بیمه و فراهم‌سازی محیط سالم برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا». با وجود این، این اولویت با اختیار ولی‌امر در تعیین اولویت‌های دیگر بر اساس شرایط، تعارضی ندارد. از سویی، رفع فقر به روش‌های متفاوتی امکان‌پذیر است؛ از جمله «توانمندسازی» برای کسب درآمد از بهترین روش‌های رفع فقر است.

افزون بر اهداف و اولویت‌ها، حدود ۱۴ مورد منصوص در فقه وجود دارد که پرداخت زکات با ممنوعیت مواجه است. ضروری است قانون زکات این موارد را ملاحظه نماید.

۳. نظام تشویقی متناسب

در ماده چهارم قانون زکات، دولت مجاز شده است حداقل معادل ریالی زکات جمع‌آوری شده در هر سال را به علاوه ده درصد در بودجه سال بعد پیش‌بینی کند و در اختیار کمیته امداد امام خمینی علیه السلام جهت مصارف اهداف این قانون قرار دهد؛ ولی اولاً، منبع تأمین این بودجه در قانون مشخص نشده است؛ ثانیاً، الزامی برای دولت نسبت به عملی ساختن این تشویق وجود ندارد؛ ثالثاً، در صورت عملی شدن، تشویق عاملان زکات و کمیته امداد امام و ایجاد امکانات برای محلی است که زکات در آن پرداخت شده، نه تشویق مؤدیان زکات.

گرچه در ماده ششم قانون زکات، تعیین سیاست‌های تبلیغی و تشویقی به آیین‌نامه اجرایی این قانون احاله شده، ولی با وجود تأخیر در تهیه این آیین‌نامه، سیاست تشویقی و تبلیغی خاصی در آن ارائه نشده است. در نتیجه قانون زکات از نظام تشویقی برای پرداخت‌کنندگان زکات برخوردار نمی‌باشد. در صورتی که نظام تشویقی مناسب می‌تواند

انگیزه پرداخت را تقویت کند. مشروط نمودن استفاده از برخی امتیازات و سایر مشوق‌ها به ارائه گواهی پرداخت زکات می‌تواند از روش‌های مؤثر باشد.

همچنین فقها به جواز مصالحه در خصوص خمس و جزیه فتوا داده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۵۰/اسدی حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۲/عاملی، ۱۴۱۹، ص ۵۲۲/عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۶/حلی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۱۰). برخی نیز برای جواز صلح در همه حقوق مالی چنین استدلال نموده‌اند که «اگر مکلف خواست از عهده حق واجبی که بر گردن اوست و مقدارش را نمی‌داند، رها شود با مجتهد بر آن حق، مصالحه نماید؛ زیرا امر صاحبان حق به او واگذار شده است» (مالکی نجفی، ۱۴۲۲، ص ۱۳۳). اختیار عفو یا تدابیر تسهیل‌کننده پرداخت در مواردی پیش‌بینی شده که مؤدی قادر به پرداخت حقوق مالی نباشد و یا در صورت پرداخت به فقر و عسر و حرج دچار شود؛ چراکه از مهم‌ترین اهداف اسلام در وضع این حقوق، مبارزه با فقر و نجات مردم از عسر و حرج اقتصادی است. از آنجاکه زکات، امری حکومتی محسوب می‌گردد، تبیین شرایط برای رفع تکلیف از مؤدی یا اتخاذ تدبیری برای اینکه شخص پس از قدرت‌یافتن، اقدام به پرداخت نماید با حاکم اسلامی است؛ چنان‌که فقها به این امر تصریح نموده‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۵۳/همو، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۴۵-۳۴۶/طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶، ج ۹، ص ۳۶۹-۳۷۰/نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۲، ص ۲۰۳).

۴. گزارش‌های جعلی

در رویه اجرای قانون فعلی زکات، عواملان اقدام به شناسایی و گرفتن زکات از کسانی می‌نمایند که بنا به دلایلی، قبلاً زکات خود را پرداخت نکرده‌اند. زکات مذکور پس از اخذ، با نظر مؤدی، هزینه می‌شود. این شیوه اخذ و مصرف زکات به «زکات انتظامی» اشتهار یافته است. یکی از آفاتی که در این شیوه وجود دارد، ارائه گزارش‌های ساختگی از زکات انتظامی است که جهت اعلام آمار بیشتر و رقابت بین دبیرخانه‌های زکات در استان‌ها صورت می‌گیرد. بدین معنا که عامل از این افراد وعده می‌گیرد که مبالغی را به عنوان زکات پرداخت نمایند، سپس گزارش دریافت زکات انتظامی ارائه می‌گردد؛ اما وعده، هرگز عملی نخواهد شد. بنا بر اظهارات یکی از مسئولان اجرایی زکات در گزارش سالانه برخی

استان‌ها، بخش قابل توجهی از مبالغ زکات، زکات انتظامی بوده و در تحقق آن، تردید جدی وجود دارد (مصاحبه نگارنده با مسئول اجرایی زکات استان فارس، ۹۶/۱۲/۲۵). مشکل دیگر، گزارش‌هایی ساختگی است که دبیرخانه‌های زکات برای گرفتن بودجه تشویقی از دولت، ارائه می‌نمایند. بدین منظور، عامل با شخصی که وجوهی را در اختیار دارد، تباری کرده و مبلغی را از وی گرفته و به عنوان زکات ارائه می‌دهد. مبلغ مذکور همراه با مبلغ معادل آن در بودجه سال بعد از طرف دولت در اختیار دبیرخانه زکات قرار می‌گیرد. در این هنگام، صاحب وجه، مبلغ خود را دریافت می‌نماید و دبیرخانه نیز مبلغ معادل را برای طرح‌های عمرانی محل، استفاده می‌کند. البته، غالباً این موارد ناشی از ناآگاهی عاملان و نیروی انسانی است. ضروری است قانون زکات نسبت به پیشگیری از این قبیل زمینه‌های سوءاستفاده چاره‌اندیشی نماید. آگاهی‌بخشی و در نظر گرفتن مجازات شدید می‌تواند مؤثر باشد.

۵. الزامات سایر ادیان و مذاهب

برادران شیعه و اهل سنت در ایران اسلامی همزیستی مسالمت‌آمیزی دارند. با وجود تفاوت‌های فقهی مذاهب اهل سنت در اموال متعلق زکات و چگونگی مصرف آن، بر وجوب پرداخت زکات به حاکم اسلامی متفق هستند. برای تبیین تفاوت‌ها، نیاز است که مرجعی فقهی در قانون زکات مشخص و معرفی شود تا عاملان زکات و دبیرخانه زکات بتوانند برنامه‌ریزی لازم را برای اخذ و مصرف زکات در مناطق حضور اهل سنت، تحت نظر ولی امر انجام دهند.

همچنین، در جمهوری اسلامی ایران پیروان سایر ادیان، همچون شهروندان مسلمان از حقوق شهروندی و منافی مانند منافع طرح‌های اجرایی زکات بهره‌مندند و تأمین نیازهای ضروری ایشان از وظایف حاکمیت اسلامی است. عدالت اجتماعی مقتضی آن است که ایشان نیز چون مسلمانان در امور عام‌المنفعه مانند طرح‌های زکات، مشارکت داشته باشند. حکم اسلام به مکلف بودن کافر به تکالیف فرعی نیز بر این امر صحه می‌گذارد (حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۹۰/ اسدی حلی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۳۵۴) و اسلام به حاکم اسلامی اجازه داده از غیرمسلمانان نیز متناسب با میزان زکاتی که مسلمانان می‌پردازند، مبالغی را به عنوان زکات

دریافت نماید (اسدی حلی، [بی تا]، ج ۹، ص ۳۲۸ / منتظری نجف آبادی، ۱۴۰۹ق(الف)، ج ۳، ص ۴۳۸). شافعی و ابوحنیفه نیز این امر را تجویز نموده‌اند (اسدی حلی، [بی تا]، ص ۳۲۷). البته بنا بر نظر فقها، مبالغ اخذشده در این مورد، تنها نام زکات دارد و از نظر ماهوی همان جزیه است (منتظری نجف آبادی، ۱۴۰۹ق(الف)، ص ۴۳۸-۴۴۱). به اقتضای برخی فتاوا، امام علیه السلام می‌تواند به اجبار از اهل ذمه زکات بگیرد (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۷۲ / موسوی خمینی، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۱۴)؛ لذا مبالغ اخذشده بر این اساس، دارای ماهیت زکات خواهد بود.

زکات با سایر مالیات‌ها متفاوت است و ضرورت دارد که در کنار سایر مالیات‌ها، امکان اخذ زکات از غیرمسلمانان متناسب با زکات پرداختی مسلمانان در قانون زکات پیش‌بینی شود تا علاوه بر تحقق عدالت اجتماعی، غیرمسلمانان به عنوان عضو جامعه در رفع مشکلات آن شریک شوند. از سوی دیگر، می‌توان از این مبالغ برای رفع مشکلات و تأمین نیازمندی‌های خودشان استفاده کرد. این سیره امیرالمؤمنین علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۸۹ / تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۵۷) و برخی خلفا (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۱۲۰ / منتظری نجف آبادی، ۱۴۰۹ق(ب)، ج ۱، ص ۱۳۳) بوده است.

۶. زکات مسلمانان ایرانی مقیم خارج و مسلمانان غیرایرانی مقیم ایران

مسلمانان تابع کشورهای غیرمسلمان دارای سرمایه‌های کلان تجاری، دامداری و کشاورزی هستند که ممکن است مشمول زکات باشد. اینان، تابع قوانین کشورشان هستند و طبیعتاً مالیات پرداخت می‌کنند. از سویی، به واسطه ایمان و اعتقاد، تابع اسلام و احکام آن هستند. اتباع ایرانی مسلمانی که در کشورهای دیگر سکونت دارند نیز به این جمع افزوده می‌شود. بالطبع، در همان سرزمین‌ها، مسلمانان فقیر، غارم، درراه‌مانده و اصناف مختلفی از مستحقان زکات یافت می‌شوند. حاکم اسلامی می‌تواند برای سامان‌دادن به وضعیت مسلمانان خارج از کشور و نیز اجرای دستورات و تعالیم اسلامی از جمله تبلیغ دین و تألیف قلوب، زکات این گروه از مسلمانان را جمع‌آوری و در همان کشورها به مصرف برساند. واضح است که پرداخت زکات در این موارد، هرچند از منظر شرعی با حکم حاکم اسلامی وجوب یابد، به واسطه فقدان اقتدار اجرایی، اختیاری خواهد بود. قانون فعلی زکات نسبت به این مهم،

توجهی نشان نداده است. از سوی دیگر به زکات مسلمانان غیرایرانی ساکن ایران توجهی نشده است.

۷. اقدامات اعتمادساز

اعتماد بین حاکمان و مردم موجب ثبات حکومت می‌شود. بر اساس همین اعتماد به پذیرش ادعای مکلف در پرداخت نمودن زکات امر شده (حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۳۱۲، ح ۱) و از سوی دیگر پرداخت مستقیم زکات توسط مؤدی به مستحق جایز می‌باشد (همان، ص ۲۸۲، ح ۱). قانونگذار باید بر جنبه مردمی زکات تأکید داشته باشد و اقداماتی مانند اعتماد به خوداظهاری مؤدی یا تجویز هزینه نمودن بخشی از زکات توسط خود مؤدیان را در قالب قانون رسمیت بخشد. برخی از کشورها (ر.ک به: قانون زکات سودان)* اجازه می‌دهند تا ۱۵ درصد از زکات مال بر اساس نظر مؤدیان زکات هزینه گردد.

ج) ارزیابی محتوایی

قانون زکات از نظر محتوا، نیازمند توجه به مسائلی است که در ذیل می‌آید:

۱. فقدان عنصر الزام در اخذ زکات

ممکن است کسانی به واسطه اولویت داشتن مصرف زکات در محل اخذ، تمرکزگرایی در زکات را نپسندند؛ اما با توجه به سیره حکومتی معصومان علیهم‌السلام از یک سو و در مقایسه با قوانین زکات در کشورهایی از قبیل سودان، مالزی و عربستان (توسلی، ۱۳۸۴/اسماعیل پور، ۱۳۹۲) از سوی دیگر، الزامی نمودن پرداخت زکات در کنار اعتماد به مؤدیان و نیز تمرکزبخشی به زکات در یک نهاد دارای اقتدار قانونی از نکاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد. ماهیت فعلی اقدامات شورای زکات، تشویقی است (کیاءالحسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۴) که برای تحقق چنین هدفی به قانون فعلی نیازی نیست و امکان رسیدن به اهدافی از این قبیل، از طریق ساختارهایی که از قبل در کمیته امداد امام خمینی علیه‌السلام موجود بوده و

* این موضوع در ماده ۳۰ قانون زکات سابق سودان، مصوب ۱۹۹۰م آمده بود. قانون فعلی، مصوب ۲۰۰۱م تغییر نموده و در بند «د» ماده ۶، چنین اختیاری برای دیوان زکات پیش‌بینی شده است. قابل دسترسی در:

<http://www.zakat-sudan.org/index30d8.html?page=subject2&pid=9>

هماهنگی با دستگاه‌های اجرایی یا از طریق اصلاح رویه‌های اجرایی، وجود داشت. علاوه بر این، به استناد آمار، کشورهایی که به صورت اختیاری به جمع‌آوری زکات اقدام می‌نمایند، در عمل مبالغ بسیار ناچیزی از میزان تخمین‌زده‌شده زکات دریافت می‌نمایند (توسلی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸). این امر، قابلیت برنامه‌ریزی و اولویت‌گذاری مصارف زکات و رسیدگی به مشکلات اجتماعی از طریق زکات را به شدت کاهش می‌دهد.

۲. هدفمندی کمک‌های دولت

در ماده چهارم دولت مجاز شده است که در جهت اهداف قانون زکات و بنا بر پیشنهاد کمیته امداد امام خمینی علیه السلام حداقل معادل ریالی زکات جمع‌آوری‌شده در هر سال را به علاوه ده درصد در بودجه سال بعد پیش‌بینی و در اختیار کمیته امداد امام خمینی علیه السلام جهت مصارف اهداف این قانون قرار دهد. تبصره یک همان ماده کمیته امداد امام خمینی علیه السلام را موظف کرده است که معادل ریالی زکات جمع‌آوری‌شده در هر محل را به همراه کمک‌های دولت در صورت اذن ولی فقیه به مصرف همان محل برساند.

اهداف قانون زکات مشخص نیست؛ اگر منظور مصارف زکات باشد، این مصارف متعدد است؛ لذا مناسب است کمک دولت در قانون هدفمند شود. اگر کمک دولت در جهت توانمندسازی خانواده‌های تحت پوشش قرار گیرد، افزون بر رفع نیاز فقرای همان منطقه که از اهداف زکات است، موجب کمک به تولید ملی و هم‌افزایی عدالت و رشد خواهد شد. منافع این هدفمندی چند سویه است: اولاً با درآمدزایی برای خانواده‌های تحت پوشش، فقر آنها به صورت عزتمندانه مرتفع می‌شود؛ ثانیاً با خروج برخی از خانواده‌ها از مجموعه تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی علیه السلام کمک به این کمیته و زمینه‌سازی برای فعالیت بیشتر او فراهم می‌شود؛ ثالثاً با الحاق خانواده مستمند به فعالان اقتصادی کشور به رشد تولید ملی کمک خواهد شد. افزون بر موارد فوق از سندسازی و صوری‌سازی آمار زکات نیز کاسته می‌شود.

۳. شفاف‌شدن نقش ولی فقیه و وحدت رویه در امور مربوط به زکات

با وجود تصویب قانون زکات، نهادهای متعددی چون سازمان بهزیستی، دفاتر ائمه جمعه و جماعات و مؤسسات خیریه اقدام به دریافت زکات، به‌ویژه زکات فطره می‌کنند. هر نهاد

نیز برای هزینه این وجوه، برنامه خاص دارد. این امر موجب می‌شود وجوه مربوط به زکات به صورت غیرمتمرکز درآمده و قابلیت برنامه‌ریزی کلان و کارآمدی کمتری داشته باشد. علاوه بر این، هزینه جمع‌آوری و مصرف افزایش خواهد یافت. با تمرکز زکات، برنامه‌ریزی و توانمندی نهاد زکات افزایش یافته و می‌توان با اعمال سیاست‌های مناسب و کار کارشناسی - هماهنگ با فقه زکات - در راستای اهداف زکات کارهای بزرگ، به‌ویژه در توانمندسازی که بهترین نوع کمک به خانواده‌های فقیر است، انجام داد.

ابتنای هرگونه اقدام بر نظر ولی فقیه در ماده سوم - علی‌رغم اینکه کلیه امور مرتبط با زکات اگر در قالب حکومت انجام گیرد باید با اذن و نظر ولی فقیه باشد - بدان معنا نیست که رهبری مستقیماً به مسائل ورود نماید، بلکه شورای زکات بازوی رهبری در سیاست‌گذاری و هدایت زکات و کمیته امداد بازوی اجرایی آن است که باید با تعیین سیاست و اجرا به کار گرفته شوند. این اقدامات به اقتضای ادله فقهی، نیازمند تأیید رهبری است؛ اما سازوکار کسب نظر ولی فقیه نامشخص است. باید این ابهام رفع و به صورت واضح تبیین گردد. گرچه نماینده ولی فقیه حاضر است، اما ممکن است در شوراهای استانی، شهرستانی و بخش، افرادی استنباطات شخصی خود را به عنوان نظر ولی فقیه قلمداد نمایند. به نظر می‌رسد مناسب باشد سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌های اساسی در خصوص متعلق، مصارف، شیوه جمع‌آوری و مصرف زکات و تنظیم ضوابط و معیارهای مربوطه از طریق شورای مرکزی زکات تهیه و به عنوان پیشنهاد جهت تصویب نهایی و ابلاغ در اختیار ولی فقیه قرار گیرد. این مسئله موجب شفاف‌شدن نقش ولی فقیه و حاکم‌شدن وحدت رویه بر این مالیات منصوص حکومتی خواهد شد.

۴. تعیین وظایف مؤدیان زکات

در قوانین مالیاتی باید وظایف مؤدیان مالیات مشخص باشد تا دچار ابهام و سوءبرداشت نشوند و بتوانند به‌موقع نسبت به وظایف خویش اقدام نمایند. تبیین زمان وجوب زکات، شرایط، نصاب و محاسبه مقادیر زکات، همچنین اموال متعلق زکات واجب و مستحب برای عموم جامعه در قالب قانون، ضروری به نظر می‌رسد. البته این مهم باید به‌گونه‌ای سامان یابد که قابل جمع با نظر مراجع تقلید باشد؛ برای مثال اگر شخصی تابع نظر مرجع

تقلیدی است که زکات مال‌التجاره را واجب می‌داند، زکات او در قالب زکوات واجب محاسبه گردد و مقلدان مراجعی که زکات مذکور را مستحب می‌دانند، زکات مذکور را در قالب زکات مستحب پرداخت نمایند. افراد باید بدانند برای پرداخت بر حسب قانون به کجا مراجعه و به چه کیفیتی اقدام نمایند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

طرح اولیه قانون زکات در فروردین ۱۳۸۸ تصویب و در آبان ۱۳۹۰ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت. این قانون دارای مزایا و معایبی است.

مزایای قانون مزبور عبارت‌اند از: اهتمام به یک واجب مغفول، ارتقای امید نسبت به ساماندهی امر زکات به عنوان یک مالیات اسلامی، ایجاد شورای مرکزی زکات زیر نظر ولی فقیه به عنوان متولی برای ساماندهی امور زکات، تشکیل بانک اطلاعات ملی زکات، ارائه الگوی مالیه اسلامی، وجود مشوق‌های مادی برای ارتقای انگیزه پرداخت زکات و حفظ و تقویت جایگاه مردمی زکات.

علی‌رغم این امتیازات، قانون زکات دارای اشکالات ساختاری، روشی و محتوایی است.

الف) ارزیابی ساختاری

۱. قانون زکات باید ضمن تبیین جایگاه حقوقی شورای زکات در نظام اداری، وضعیت آن را در برخورداری از شخصیت حقوقی حقوق عمومی مشخص نماید.
۲. در شورای زکات مسئولانی در سطح وزیر با مشغله کاری انبوه و بدون تعیین وظیفه تعریف شده‌اند که معمولاً انگیزه‌ای برای حضور یا پیشبرد اهداف آن نمی‌بینند.
۳. حضور ریاست یا نماینده‌ای از سازمان‌ها و نهادهایی مانند سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان بهزیستی و بنیاد برکت که وظایف مشابهی دارند، در ترکیب شورای مرکزی زکات ضروری به نظر می‌رسد.
۴. بانک اطلاعات ملی زکات، ابزاری برای ارائه گزارش عملکرد است و این امر اطلاعات مورد نیاز را محدود به آمار و ارقام عملکرد خواهد نمود؛ درحالی‌که

برای برنامه‌ریزی آینده زکات به گستره وسیعی از اطلاعات دقیق از منابع، مستحقان، انواع نیازها و استعدادها، مطالعه شیوه‌های توانمندسازی مستحقان و شیوه‌های ارتقای بهره‌وری عاملان زکات نیاز است. مناسب است گزارش‌دهی به رهبری ارائه شود.

۵. در متن قانون چندین ناظر دیده شده است. وجود دستگاه نظارتی مستلزم هزینه زیاد و مشکلات دیگر است.

۶. لازم است رفتار عاملان زکات نیز مورد نظارت قرار گیرد. می‌توان با ایجاد یک واحد تخصصی ویژه در دادستان انتظامی مالیاتی این نقیصه را برطرف کرد.

۷. همچنین در قانون زکات هیچ تدبیری برای برخورد با تخلفات مأموران مالیاتی و جرم‌انگاری تخلفات مؤدی اندیشیده نشده است.

۸. ممکن است در روند اجرای قانون زکات برخی دعاوی و نارضایتی‌ها ایجاد و به حل اختلاف و برخورد با متخلف نیاز شود. در قانون زکات از این مهم، غفلت شده است.

ب) ارزیابی روشی

۱. یکی از نقیصه‌های قانون زکات، عدم تبیین مفاهیم همچنین اهداف، مصارف و اولویت‌ها در قانون است.
۲. کمک دولت به کمیته امداد امام اولاً تشویق عاملان است نه مؤدیان زکات، ثانیاً الزامی نیست.
۳. قانون زکات نسبت به پیشگیری زمینه‌های سوءاستفاده مانند جعل گزارش چاره‌اندیشی نکرده است.
۴. قانون زکات نسبت به زکات پرداختی برادران اهل سنت و سایر ادیان و مذاهب، همچنین ایرانیان و مسلمانان کشورهای غیرمسلمان چاره‌اندیشی نکرده است.

۵. قانونگذار باید بر جنبه مردمی زکات تأکید داشته باشد و اقداماتی مانند اعتماد به خوداظهاری مؤدی یا تجویز هزینه نمودن بخشی از زکات توسط خود مؤدیان را در قالب قانون رسمیت بخشد.

ج) ارزیابی محتوایی

۱. با توجه به سیره معصومان علیهم السلام و در مقایسه با قوانین زکات در سایر کشورهای اسلامی، اتخاذ رویکرد الزامی نسبت به اخذ زکات در قانون زکات، ضرورت دارد.

۲. مناسب است کمک دولت در قانون هدفمند شود. اگر کمک دولت در جهت توانمندسازی خانواده‌های تحت پوشش قرار گیرد؛ افزون بر رفع نیاز فقرا که یکی از اهداف زکات است، موجب فعال‌سازی خانواده‌های کمتر از حد کفاف و کمک به تولید ملی کشور و هم‌افزایی عدالت و رشد خواهد شد.

۳. با وجود تصویب قانون زکات، نهادهای متعددی اقدام به دریافت زکات، به‌ویژه زکات فطره می‌کنند. مناسب است خط‌مشی‌های اساسی از طریق شورای مرکزی زکات تهیه و به عنوان پیشنهاد جهت تصویب نهایی و ابلاغ در اختیار ولی فقیه قرار گیرد. این مسئله موجب شفاف‌شدن نقش ولی فقیه و حاکم‌شدن وحدت رویه بر این مالیات منصوص حکومتی خواهد شد.

۴. در قوانین مالیاتی باید وظایف مؤدیان مالیات مشخص باشد تا دچار ابهام و سوءبرداشت نشوند و بتوانند به‌موقع نسبت به وظایف خویش اقدام نمایند.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن هشام، عبدالملک؛ السیرة النبویة؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۵۵ق.

۲. ابوالحمد، عبدالحمید؛ حقوق اداری؛ چ ۳، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.

۳. اخلاقی، سیده معصومه و نعمت‌الله صفری فروشانی؛ حیات اقتصادی امامان شیعه از صلح امام حسن علیه السلام تا آغاز غیبت صغری؛ مشهد: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بیناد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۳.
۴. اخلاقی، محمدعلی؛ شکل‌گیری سازمان روحانیت شیعه؛ تهران: نشر شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴.
۵. اسدی حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف بن مطهر؛ تبصرة المتعلمین فی احکام الدین؛ تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۶. _____؛ تحرير الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية؛ قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ق.
۷. _____؛ تذكرة الفقهاء؛ قم: مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام، [بی تا].
۸. _____؛ قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق (الف).
۹. _____؛ مختلف الشيعة فی أحكام الشريعة؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق (ب).
۱۰. _____؛ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب؛ مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۱. _____؛ نهاية الاصول؛ تحقیق ابراهیم بهادری؛ قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۶ق.
۱۲. اسماعیل پور، مهدی؛ نهادهای مالی زکات در کشورهای اسلامی و جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۲.
۱۳. امام علی بن ابی طالب؛ نهج البلاغه؛ به کوشش محمد بن حسین موسوی (سیدرضی)؛ تحقیق و تصحیح عزیرالله عطاردی؛ قم: مؤسسه نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق.
۱۴. امامی، محمد؛ کلیات حقوق مالی؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.
۱۵. الامین، محسن؛ اعیان الشیعه؛ بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۳ق.
۱۶. بخشی، لطفعلی؛ آشنایی با مالیه عمومی؛ تهران: نشر اقتصاد فردا، ۱۳۸۹.
۱۷. بیهقی، احمد بن حسین بن علی؛ السنن الکبری؛ بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۱۸. تمیمی مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد؛ دعائم الإسلام؛ قم: مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵ق.
۱۹. توسلی، محمد اسماعیل؛ امکان‌سنجی اجرای زکات در ایران؛ تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۴.

۲۰. جمعی از مؤلفان؛ مجله فقه اهل بیت علیهم السلام؛ قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، [بی تا].
۲۱. حر عاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعة؛ قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۲۲. حسینی، سیدرضا؛ مقاله «بیت المال»، دانشنامه امام علی علیه السلام؛ ج ۷، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۳. حسینی شیرازی، سیدمحمد؛ الفقه الاقتصاد؛ قم: مطبعة سیدالشهداء علیه السلام، [بی تا].
۲۴. حلی (ابن ادریس)، محمدبن منصور؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
۲۵. حلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن؛ شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۹ق.
۲۶. _____؛ المعتبر فی شرح المختصر؛ قم: مؤسسه سیدالشهداء علیه السلام، ۱۴۰۷ق.
۲۷. حلی (فخر المحققین)، محمدبن حسن بن یوسف؛ ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ق.
۲۸. خان جان، علیرضا؛ «پتانسیل فرار و تقلب در نظام مالیات بر ارزش افزوده»، مجله اقتصادی؛ س ۴، ش ۳۷ و ۳۸، ۱۳۸۸.
۲۹. سبجانی تبریزی، جعفر؛ خمس؛ ج ۴، قم: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، ۱۳۹۰.
۳۰. سبزواری، سید عبدالاعلی؛ جامع الأحکام الشرعية؛ ج ۹، قم: مؤسسه المنار، [بی تا].
۳۱. صفار، محمدجواد؛ شخصیت حقوقی؛ تهران: نشر دانا، ۱۳۷۳.
۳۲. طباطبائی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۳. طباطبائی حکیم، سیدمحسن؛ مستمسک العروة الوثقی؛ قم: مؤسسه دار التفسیر، ۱۴۱۶ق.
۳۴. طباطبائی فر، سیدمحسن؛ «فقها و حکومت های جور از شروع غیبت صغرا تا ابتدای صفویه»، فصلنامه علوم سیاسی؛ س ۷، ش ۲۵، ۱۳۸۳.
۳۵. طباطبائی یزدی، سیدمحمدکاظم؛ العروة الوثقی؛ ج ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.

۳۶. _____؛ العروة الوثقى مع تعليقات الفاضل؛ قم: مركز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام، [بی تا].
۳۷. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر بن یزید؛ تاریخ الامم والملوک (تاریخ طبری)؛ ترجمه ابوالقاسم پاینده؛ چ ۵، تهران: اساطیر، ۱۳۷۵.
۳۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ الخلاف؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.
۳۹. _____؛ کتاب الغیبة؛ به کوشش شیخ آقابزرگ طهرانی؛ تهران: مکتبه التینوی الحدیثه، ۱۳۹۸ق.
۴۰. _____؛ المبسوط فی فقه الإمامیة؛ چ ۳، تهران: المکتبه المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ق.
۴۱. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ فوائد القواعد؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ق.
۴۲. _____؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة؛ قم: داوری، ۱۴۱۰ق.
۴۳. عاملی کرکی (محقق کرکی)، علی بن حسین؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ چ ۲، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ق.
۴۴. عکبری بغدادی (شیخ مفید)، محمد بن محمد بن نعمان؛ المقنعه؛ قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۵. علوی، حسن؛ شیعه و حکومت در عراق؛ ترجمه محمد بنی ابراهیمی؛ تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۴۶. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
۴۷. کرمی، محمد مهدی و عسگر دیرباز؛ مقاله «عدالت اقتصادی»، دانشنامه امام علی عليه السلام؛ چ ۷، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.
۴۸. کلینی، محمد بن اسحاق بن یعقوب؛ الکافی؛ چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۴۹. کیا الحسینی، سید ضیاء الدین؛ «ملاحظات پیاده سازی مالیات های اسلامی»، پژوهشنامه مالیات، ش ۵۹، ۱۳۹۰.
۵۰. لشکری، علیرضا؛ نظام مالیاتی اسلام؛ تهران: نشر پایگان، ۱۳۸۰.

۵۱. مالکی نجفی (کاشف الغطاء)، جعفر بن خضر؛ کشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، ۱۴۲۲ق.
۵۲. مجلسی اصفهانی، محمداقربن محمدتقی؛ بحار الأنوار؛ ج ۲، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۰۳ق.
۵۳. مقدسی، مطهر بن طاهر؛ آفرینش و تاریخ؛ ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی؛ تهران، آگه، ۱۳۷۴.
۵۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۳۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.
۵۵. ———؛ دائرة المعارف فقه مقارن؛ قم: انتشارات مدرسة الإمام علیؑ، ۱۴۲۷ق.
۵۶. منتظری نجف آبادی، حسینعلی؛ دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الإسلامية؛ ج ۲، قم: نشر تفکر، ۱۴۰۹ق (الف).
۵۷. ———؛ کتاب الزکاة؛ ج ۲، قم: مرکز جهانی مطالعات اسلامی، ۱۴۰۹ق (ب).
۵۸. موسوی خمینی، سیدروح الله؛ تحریر الوسیلة؛ قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، [بی تا].
۵۹. الناس، محمد بن سید؛ عیون الأثر؛ تحقیق ابراهیم محمد رمضان؛ بیروت: دار القلم، ۱۴۱۴ق.
۶۰. نجفی، محمدحسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۶۱. همدانی، آقارضا ابن محمد هادی؛ مصباح الفقیه؛ قم: مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ق.
۶۲. هیربد، علی؛ مسائل اقتصادی اسلام؛ [بی جا]: شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۵۲.
63. Imran Ashraf Toor and ABU Nasar; "Zakat as a social safety net: Exploring the Impact on Household Welfare in Pakistan", **Pakistan Economic and Social Review**; Department of Economics, University of the Punjab, Vol. 42, No. 2/1, 2004.